



راهکاری برای ماندگاری افسانه‌ی تاریخی پل ورسک

شورش احمدی خطیر

۱- کارشناسی ارشد عمران سازه

khatir_sh@yahoo.com

۱- مقدمه

من هزاران طلوع دیده ام اما دلم گرفته است برای کارگران ، که شبانگهان گرد آتش ، غم غربت به پیمانۀ نوای نی تقسیم میکردند. پیرمرد صاحب قهوه خانه برای هر کدام از کارگران پل از قوطی حلبی روغن ها ، قلکی ساخته بود . کارگران ولایات دور، خسته از پیکار با کوههای سرسخت البرز با اندوه غربت بر دل، دلتنگ اهل و عیال ، دسترنج ماهانه خود را به او می سپردند تا برایشان به امانت نگاه دارد . اما خبر هر حادثه قلب پیرمرد را می فشرد . باز کارگری جان سپرده است ، باز اهل و عیالی که چشم به راه خواهند ماند و قلکی که هیچگاه باز نخواهد شد .



شکل شماره (۱): نمای روستای عباس آباد در سال ۱۳۱۳ (که در سال ۱۳۱۶ به ورسک تغییر نام یافت) قبل از احداث پل . خانه رابسویچ در سمت چپ دره قرار گرفته است .

به عقیده عموم مردم پل راه آهن ورسک شهرت خود را مدیون مهندس آلمانی سازنده اش است . یعنی "مهندس ورسک" . او مطمئن بود پلی که ساخته است تحمل وزن قطار را دارد و به این ترتیب مسئولیت همه عواقب آن را پذیرفته بود . و بالاخره پس از عبور ایمن قطار ، نامش برای همیشه در خاطره روستاییان ورسک جای گرفت و سمبلی شد برای نمایش قدرت دانش و اراده . حالا روستای "عباس آباد" نیز "ورسک" نامیده میشود . ورسکیان داستان مهندس آلمانی و خانواده اش را نسل به نسل روایت کردند تا این افسانه تا به امروز همچنان پرشکوه جلوه نماید . اما اینکه او دقیقا که بود و سرنوشتش پس از ساختن پل چه شد اطلاعی در دست نیست و این ابهام ، افسانه او را زیباتر می ساخت . از جنبه داستانی ورسک که بگذریم ، اولین پرسشی که در ذهن یک مهندس منتقد شکل می گیرد این است که آیا لزومی به ساخت چنین پلی در ارتفاع ۱۲۰ متری ، با دهانه ۶۶ متری ، در چنین شرایط سخت و صرف هزینه دو میلیون و ششصد هزار ریال وجود داشت ؟ و اینکه آیا فقط یک نفر آن را طراحی و ساخته است ؟

۲- افسانه مهندس ورسک